

ذره بین

لرزش های غیربستری در کرمان

شهروند | زمین لرزه های به بزرگای ۶.۱ ریشتر مجدداً حوالی هجدک کرمان را لرزاند. این زمین لرزه در نخستین ساعات بامدادی روز گذشته در ۲۸ کیلومتری هجدک رخ داد. این برای دومین روز پی در پی است که دو زلزله بالای ۶ ریشتری این منطقه استان کرمان را می لرزاند.

ظهر روز سه شنبه هم زمین لرزه های به بزرگای ۶.۲ ریشتر همین منطقه را لرزاند. همچنین طی دو روز گذشته ۷۹ پس لرزه در این منطقه ثبت شده است. با وجود این در مجموع این دو زمین لرزه و پس لرزه های نسبتاً بزرگ آن هیچ خسارت مالی در پی نداشته است و تنها تعدادی از شهروندان در این مناطق به دلیل ترس از زلزله در حین فرار دچار مصدومیت های جزئی و سربایی شده اند.

در مجموع این لرزش های پی در پی تاکنون ۲۹ نفر مصدوم شدند که بنا بر اعلام سرپرست اورژانس کشور حال عمومی همه آنها مساعد است. همچنین در بین مصدومان یک زن باردار هم وجود داشت که این زن هم به صورت سربایی در مان شد. در همین حال سیدمصطفی آیت اللهی موسوی، سرپرست معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری کرمان از مداوی سربایی بیشتر مصدومان این حادثه خبر داد و در این باره گفت: «تعداد زیادی از مصدومان به صورت سربایی مداوا شدند و در حال حاضر هفت نفر در بیمارستان باهنر و یک نفر در بیمارستان قاطمه الزهرایی (ر.س) کرمان بستری هستند.»

او ادامه داد: «بر اساس مشاهدات انجام شده در منطقه هجدک کرمان به عنوان کانون اصلی زلزله، علاوه بر ۱۴۰ چادری که روز سه شنبه برای زلزله زدگان برپا شده بود، ۱۵۰ چادر دیگر و مقدار قابل توجهی نایلون نیز در بین ساکنان این مناطق توزیع شده است. همچنین یک مخزن پر تابل گاز نیز برای پر کردن سیلندرهاي خالی در محل بخشداری هجدک نیز فعال شده است.»

بنا بر اعلام مسئولان هلال احمر هم بیشتر تکان هادر مناطق روستایی این منطقه بوده است که ساکنان آن به دلیل لرزش های شدید طی چند روز گذشته از خانه هایشان خارج شده اند و به همین دلیل هم نیرهای هلال احمر تاکنون ۱۴۴ چادر برای اسکان اضطراری ۲۲۰ نفر از ساکنان این منطقه برپا کرده است. همچنین بر اساس اعلام مسئولان اورژانس همه مصدومان سربایی این زلزله پس از دریافت خدمات درمانی مرخص شده اند.

۵۳ مصدوم

در تصادف اتوبوس و مینی بوس

باشگاه خبرنگاران | بر اثر تصادف یک دستگاه مینی بوس با اتوبوس در شهر رفسنجان استان کرمان ۵۳ نفر مصدوم شدند. حال مصدومان مساعد است و مریض با حال وخیم و نگران کننده بین این افراد وجود ندارد. در این حادثه اتوبوس حامل اتباع پاکستان و مینی بوس حامل کارکن کارخانه ختامان بود.

انفجار خودروی تاکسیر حمل سوخت در روستا

شهروند | بر اثر انفجار خودروی تاکسیر حمل سوخت در روستای رباط میل اراک یک نفر دچار سوختگی شد و بر اثر شدت جراحت جان خود را از دست داد و ۲ تن دیگر نیز مصدوم شدند. کارگر جوشکار که در روستای رباط میل شهر اراک که برای جوشکاری به داخل خودروی تاکسیر حامل سوخت رفته بود، در هنگام کار دچار سوختگی شد و جان خود را از دست داد. سرنخ هتک خلیجی معاونت اجتماعی و پیشگیری فرمانده انتظامی استان مرکزی در توضیح این خبر گفت: در حدود ساعت ۱۴:۲۰ دقیقه روز چهارشنبه بر اثر انفجار تاکسیر ویژه حمل سوخت در روستای رباط میل شهرستان اراک، یک نفر کشته و ۲ نفر مجروح شدند. سرنخ هتک خلیجی اضافه کرد: بنا بر این گزارش، علت این سانحه جوشکاری روی تاکسیر حمل سوخت و انفجار آن اعلام شده است. وی افزود: در این سانحه راننده خودرو فوت کرد و دو نفر جوشکار مصدوم و به بیمارستان انتقال داده شدند.

عامل شهادت مامور پلیس اصفهان اعدام شد

سردسته اشرار بااند قاچاق مسلحانه مواد مخدر و عامل شهادت مامور پلیس در میدان خوراسگان اصفهان به دار آویخته شد. عبدالمجید حسینی، سرشور منطقه بلوچستان با سوابق متعدد کفبری به جرم سردهستگی، اجیر کردن و حمل و مشارکت در قاچاق بیش از ۵۰۹ کیلوگرم تریاک که منجر به شهادت افسر خدمت نیروی انتظامی در فروردین پارسال شده بود، با حکم صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان اصفهان به اعدام در ملاعام محکوم شد. با تأیید حکم در دیوانعالی کشور و دستور معاون اول قوه قضائیه برای اجرای علنی مجازات نامبرده در محل سکونت پاسبان شهید اصغر قضاوی، صبح امروز حکم اعدام این شرور در میدان خوراسگان اصفهان اجرا شد.



تصاویر: شهروند



تصاویر: شهروند

گفت و گوی «شهروند» با خانواده ۲ دانش آموز و معلمی که در حادثه واژگونی اتوبوس راهیان نور جان باختند

نیمکت های خالی «زهران» و «فائزه»

پیکرهای دانش آموزان و معلم جانباخته استان البرز در حادثه رانندگی سوسنگرد خوزستان صبح پنجشنبه در البرز تشییع می شود

همیشه می گفت، دوست ندارم بی ارزش بعیرم، واقعا ارزشمند رفت. از امروز می خواهم صندلی خالی او را در دفتر مدرسه ازین بیندم و رویش گل بگذارم، به یاد تلاوت های قرآنی در جلسات شورای دبیران، من به همراه همکاران و دانش آموزان برایش قرآن می خوانم. سبکینه زن پاکدامن و مهربان و با ایمانی بود. هر سال هم به این سفر می رفت. خودش دوست داشت و چون مری دفاعی بود، داوطلب رفتن می شد. حال دیگر برای همیشه رفته و ما را تنها گذاشته است. او در آخر جانش را برای این سفر گذاشت.»

مدرسه برادرانم

حضوره دین محمدی، مدیر دبیرستان دخترانه قلم چی است. در میان همکارانش، او از همه بیشتر به سوگ نشسته اشک می ریزد و لحظه ای آرام نمی گیرد. دانش آموز ۱۶ ساله مدرسه اش، دوست صمیمی و همکار چندین ساله اش را در یک شب از دست داده؛ هنوز هم در شوک این حادثه تلخ است. لحظه ای سکوت می کند و لحظه ای دیگر با صدای بلند می گرید. او به خبرنگار «شهروند» در این باره می گوید: «از مدرسه ما ۱۸ دانش آموز در مقاطع ۱۰ و ۱۱ دبیرستان راهی این اردو شدند. هر ساله این اردو در مدرسه مان برگزار می شود. دخترهای مدرسه مان خوششان با شوق و ذوق و علاقه ای که داشتند، داوطلب رفتن به این سفر می شدند. از خانواده هایمان هم رضایتنامه حضوری و شفاهی می گرفتیم. اسفحال هم ۱۸ دانش آموزی شدند. دوشنبه ساعت ۶ صبح بود که همراه چهار اتوبوس دیگر از استان البرز به این سفر رفتند. سه شنبه عصر خبر تلخ به گوشمان رسید. باور نمی کردم. ۸ اتوبوس رفته بود. تنها اتوبوس مدارس نظر آباد چنین حادثه تباریش رخ داده بود. خیلی هول شدم و بلافاصله موضوع را به فائزه در پیار دانش آموز مقطع ۱۱ رشته تجربی مدرسه من، جان خود را از دست داده بعد از آن بود که خبر فوت سبکینه بیات از مریدان این مدرسه به دوست صمیمی ام را شنیدم. باور نمی کردم. نمی دانستم برای کدامشان اشک بریزم. فائزه جزو دانش آموزان خوب مدرسه بود و سبکینه هم از دوستان چندین ساله ام بود. غم از دست دادنشان غمناک تمام نشدنی برای من است. از صبح که به مدرسه آمدم، یک لحظه هم نمی توانم آرام بگیرم. مرتب تصویر سبکینه و فائزه جلوی چشمم است. سبکینه بیات از بهترین دوستانم بود. از وقتی خبر سوخت و انفجار آن اعلام شده است، وی افزود: در این سانحه راننده خودرو فوت کرد و دو نفر جوشکار مصدوم و به بیمارستان انتقال داده شدند.

سبکینه تنها غمخوار مادرم بود. از پدر و مادرم با خوبی مراقبت می کرد و هوای آنها را داشت. چون دختر زرنگی بود، خیلی از آنها حمایت می کرد. برای همین گفتن این خبر خیلی سخت بود. حالا هم همه مان برای همیشه عزادار شده ایم. فکر نمی کنم پدر و مادرم حالا حالاها بتوانند آرام شوند.»

آخرین سفر مجردی

صدای فریاد و ناله از اوایل کوچه شنیده می شود. به راحتی می توان تشخیص داد که خانه اش کدام است. جمعیت جلوی در و پارچه های سیاه خیر از یک فاجعه تلخ می داد. باز نزدیک شدن به این خانه، صدای فریادها هم بیشتر می شود. فریادهای مادر زهران صابری، دختر ۱۵ ساله ای که به زودی قرار بود عروس شود. مادرش نمی داند چگونه باید با غم از دست دادن تنها دخترش کنار بیاید. هیچ کدام از فریادها نیست او از آرام نمی آید. مرتب اسم دختر کش را صدا می زند. دو برادر زهران هم مقابل در ایستاده اند و می صدا می زنند. زواهر یکی یکدانه خود را از دست داده اند. هیچ کدام توان صحبت نکردن ندارند. در این جمعیتی که اشک می ریختند و فریاد می زدند، دختر دایی زهران که خودش هم حال خوبی ندارد، در باره زهران چنین می گوید: «زهران تنها دختر این خانواده بود. کلاس دوم دبیرستان بود و در رشته خیاطی در مدرسه شهید چمران درس می خواند. خودش دوست داشت که خیاط شود. عاشق این کار بود. یک سالی می شد که عقد کرده بود. یک هفته بعد عروسی شد. پلدا عروسی اش بود. تمام کارهایش را انجام داده بود. مهدی نامزدش از وقتی این خبر را شنیدند از خانه بیرون نیامده؛ شوکه شده؛ هیچ کدامان باور نمی کنیم که زهران رفته باشد. همگی خود را برای عروسی او آماده کرده بودیم. اما حالا خت خود را پوشیده ایم و داریم برای آن دستمزد دادن و اشک می ریزیم. کی باورش می شد زهران به همین راحتی از میان ما برود. این اولین بار بود که به از دومی رفت. خانواده خیلی راضی به سفر او نبودند، اما زهران دوست داشت همراه دوستانش به این سفر برود و پیش از عروسی



سبکینه بیات



فائزه در پیار



تصاویر: شهروند

آزیر

دستگیری باند راهزنان و آدم ربایی



شهروند | باند ۸ نفره راهزنان و آدم ربایان که اقدام به راهزنی از کامیون ها در مبادی ورودی شهر تهران می کردند، دستگیر شدند. ۲۳ مهر ماه مردی با مراجعه به کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس به مأموران گفت که خودروی نیسان ای رنگش حامل بیش از ۵۰ تخته فرش توسط سارقان خشن محموله سرقت شده است و سارقان خود او را نیز پس از ضرب و شتم شدید با دست و پای بسته شده در بیابان های واوان رها کردند.

مالباخته پس از حضور در اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: ساعت ۰۱:۳۰ بود که از شهر کاشان به مقصد آمل حرکت کردم؛ ساعت ۴ بامداد به تهران حوالی سهره تهرانپارس رسیدم؛ کمی جلوتر، در ابتدای جاده دماوند توقف کرده تا قدری استراحت کنم. در حال نوشیدن چای بودم که ناگهان سه نفر از سمت راننده و سه نفر از سمت شاگرد با چاقو و چوب به داخل خودرو حمله ور شدند. تمامی این افسران بین ۲۰ الی ۳۰ ساله بودند؛ یکی از آنها دستش را به گردن من انداخت و قصد خفه کردن مرا داشت و نفر دوم اقدام به زدن اسپری فلفل به صورت و چشمم کرد؛ در دست تمامی آنها چاقو بود و من از ترس جان خود هیچ مقاومتی در مقابل آنها نمی کردم؛ آنها بعد از پیاده کردن من از داخل نیسان، مرا به داخل یک خودروی پژو ۴۰۵ تیره رنگ برده و اقدام به بستن دست و پا و چشمم من کردند؛ مدتی در حرکت بودیم تا نهایتاً مرا در همان وضع به بیرون از ماشین انداختند؛ زمانی که موفق به باز کردن دست و پا و چشمان خود شدم، متوجه شدم که در بیابان های اطراف واوان هستم.

همزمان با آغاز رسیدگی به پرونده محموله فرش، کارآگاهان در سلسله اقدامات پلیسی خود در شناسایی و دستگیری متهمان تحت تعقیب اطلاع پیدا کردند که یکی از مجرمان سابقه دار و حرفه ای در ارتکاب سرقت های خشن محموله به نام صالح که پس از دستگیری و همدستانش در پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران بزرگ از مخفیگاهش در شهرستان گلستان متواری شده، بار دیگر اقدامات مجرمانه خود را در خصوص سرقت های خشن محموله از سر گرفته است.

بررسی سوابق «صالح» نشان داد که وی از سال ۱۳۸۵ تاکنون، ۱۵ بار به اتهام ارتکاب جرم های مختلف به ویژه سرقت مسلحانه و سرقت روانه زندان شده و در حال حاضر برادر وی به نام «آرزو» به اتهام ارتکاب سرقت های خشن محموله دستگیر شده و در حال حاضر در زندان به سر می برد.

با توجه به اطلاعات دقیقی که از اقدامات مجرمانه صالح و دیگر اعضای خانواده اش در ارتکاب سرقت های خشن محموله وجود داشت از کادر آگاهی تهران «شهروند» می گوید: «فائزه گوشه ای نشسته و به نقطه ای خیره شده است. از رفتن خواهرش شوکه است. صحبت نمی کند. فقط گاهی به مادر و خواهرش نگاه می اندازد. در این میان شوهر عمه فائزه «شهروند» می گوید: «فائزه دختر زرنگ و درس خوانی بود. خانواده اش همیشه به نمرات و درس هایش افتخار می کردند. سال یازدهم دبیرستان بود و در رشته تجربی درس می خواند. آرزویش این بود که دکتر شود. این دومین باری بود که به این سفر می رفت. خودش دوست داشت و ذوق و شوق خانواده اش را راضی کرد. می خواست با دوستانش باشد، تا این که رفت و خبر این حادثه را شنیدیم. خودم بلافاصله به خانه فائزه آمدم. وقتی خبر حادثه را گفتم مادرش گریه کرد. گفتم هنوز که خبری نشده چرا گریه می کنی؟! گفت من خواب بد دیدم و حس می کنم که اتفاق بدی برای فائزه افتاده باشد. همان هم شد. تماس گرفتیم و در نهایت به من گفتند که نام فائزه در میان فوت شدگان است. گفتم فائزه دو نفر دیگری که فوت شده اند، در صندلی های جلو نشسته بودند که این حادثه تباریش رقم خورد. بقیه همه مجروح هستند و حداقل خدایا اشک زنده اند و نفس می کشند. در واقع اصلاً قرار نبود فائزه به این سفر برود. در لحظه آخر تصمیم گرفت. به مادرش گفته بود که می خواهد پیش از کنکور دانش به یک سفر با دوستانش برود. چون بعد از آن می خواست در خانه بنشیند و برای کنکور درس بخواند. همیشه می گفت پزشکی رشته سختی است و باید تلاش زیادی کند تا قبول شود، اما به آرزویش نرسید.»

همزمان با ادامه تحقیقات پلیسی جهت شناسایی کامل و دقیق این گروه از سارقان خشن محموله و مخفیگاه هایشان، شکایت مشابه دیگری این بار در خصوص سرقت خشن محموله برنج به اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ، راجع شد.

سرانجام با انجام اقدامات ویژه پلیسی، مخفیگاه تمامی اعضای گروه سارقان خشن محموله در شهرستان های بهارستان، رباط کریم، اسلامشهر، گلستان و شهریار شناسایی شد؛ در ساعت ۵:۰۰ بامداد روز دوشنبه، ۲۰ آذرماه عملیات دستگیری متهمان آغاز شد و در چند عملیات همزمان، تمامی اعضای گروه دستگیر شدند و در بازرسی از مخفیگاه های آنها به ویژه انباری متروکه در منطقه خیرآباد شهرستان اسلامشهر، قسمتی از اموال مسروقه از جمله لاستیک خودروهای سنگین، برنج، احشام، آهن آلات و... کشف و به پلیس آگاهی تهران بزرگ منتقل شد.

متهمان در همان تحقیقات اولیه به سرقتی بودن تمامی اموال کشف شده اعتراف کرده و عنوان داشتند که سرقت های مشابهی در مبادی ورودی و خروجی شهر تهران به ویژه در اتوبان آزادگان، یاسینی، رجایی و همچنین محدوده مناطق فردیس، جاجرود، چیتگر، خاورشهر داشته اند.

در حال حاضر رسیدگی به پرونده اخیر در مراحل ابتدایی آن بوده و اقدامات پلیسی جهت شناسایی سرقت های مشابه و دعوت از مالباختگان در دستور کار اداره پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.